

مجله علمی - پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان

دوره دوم، شماره بیست و چهارم و بیست و پنجم

بهار و تابستان ۱۳۸۰، صص ۱۳۴ - ۱۲۳

ساخت گروهی در زبان فارسی: تحلیلی بر اساس

نظریه «ایکس تیره»

دکتر زهره کسائیان*

چکیده

هدف این مقاله تأیید جنبه جهانی قواعد ایکس تیره با نشان دادن ساخت میانی گروه‌های صفتی، قیدی و حرف اضافه‌ای در زبان فارسی است. برای این منظور از مقوله جایگزینی ضمیر به عنوان پشتوانه تجربی استفاده گردیده است. کلمه «چنین» به عنوان ضمیرگونه صفتی و قیدی و کلمه «آنجا» به عنوان ضمیرگونه حرف اضافه‌ای پیشنهاد گردیده‌اند.

واژه‌های کلیدی

قواعد ایکس تیره، جایگزینی ضمیر، ضمیرگونه صفتی، ضمیرگونه قیدی، ضمیرگونه حرف اضافه‌ای، سطح میانی

مقدمه

نظام ایکس تیره یادآور نظامی است که زیگ هریس (10 / P. 266) در دهه ۱۹۴۰ و بعد از آن به کار برده است، با این تفاوت که او به جای خط تیره بالای ایکس (\bar{x}) از عدد (یعنی N و N^1 و N^2 و N^3) استفاده کرده است. چامسکی در مقاله "Remarks on Nominalization" که در سال ۱۹۷۰ منتشر شد «نظریه ایکس تیره» را برای ساده نمودن تحلیل زبانی پیشنهاد نمود. در این مقاله وی از متغیر x به عنوان نشانه‌ای مشترک برای انواع مقوله‌های زبانی استفاده نموده و قاعده سازه‌ای^۱ زیر را ارائه می‌نماید:

$$(A) \bar{\bar{x}} \rightarrow [\text{spec. } \bar{x}] \bar{x}$$

$$(B) \bar{x} \rightarrow x \dots$$

(5 / P. 210)

طبق قانون فوق، گروهی^۲ از مقوله (x) باید سری داشته باشد که سازه‌ای^۳ از نوع همان مقوله (x) داشته باشد. ایکس (x) مقوله‌ای است که می‌تواند نشان‌دهنده مقوله‌های مختلف زبانی مانند اسم (N)، فعل (V)، صفت (A)، قید (ADV) و حرف اضافه (P) باشد.

در قاعده (A) x می‌تواند مثلاً N یا V باشد و منظور از "spec. \bar{x} " مقوله‌ای است که مشخص‌کننده \bar{x} است. این مشخص‌کننده‌ها در مورد اسم عناصری مانند حرف تعریف‌اند و در مورد فعل شامل مقوله افعال کمکی می‌شود. در قاعده (B) \bar{x} به x (بدون خط تیره) که نقش سر دارد و متمم یا متمم‌های آن بازنویسی می‌شود و نقطه چین‌ها جای متممی را که همراه سر می‌آید نشان می‌دهد.

براساس پیشنهاد چامسکی، جکندوف در سال ۱۹۷۷ «قواعد ایکس تیره» را ارائه نمود که به عنوان بخش مهمی از «نظریه استاندارد گسترش یافته» پذیرفته شد و نیز به عنوان بخشی از «نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی» به شمار می‌آید. چامسکی در

1- phrase - structure rule

2- phrase

3- category

4- constituent

«برنامه کمینه‌گرا»^۱ که در مقاله‌ای در ۱۹۹۳ منتشر شد و سپس در کتابی که با همین عنوان مجدداً انتشار یافت (۱۹۹۵) تعدیلهایی نسبت به «نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی» انجام داد. در طرح اولیه برنامه «کمینه‌گرا»، «نظریه ایکس تیره» مطرح است، ولی در طرح‌های بعدی به جای «نظریه ایکس تیره» از فرآیند ادغام استفاده شده است. در هر صورت از آنجا که از زمان طرح چهارچوب «برنامه کمینه‌گرا» تعدیلهای سریعی حادث شده است در حال حاضر این برنامه بیشتر «... یک برنامه علمی-پژوهشی است تا یک نظریه انسجام یافته و مدون» (۲ / ص ۵۱۸) و در این صورت هنوز می‌توان از محاسن «نظریه ایکس تیره» بهره برد. در این مورد میرعمادی اظهار می‌نماید «در نظریه کمینگی، ویژگیهای اساسی و روابط اصولی با استفاده از واژه‌های ساده ایکس تیره بیان می‌شوند» (۴ / ص ۲۷۶)، و همین ویژگیهای اساسی و روابط اصولی است که در قالب جهانیهای زبان خطوط کلی مربوط به چگونگی یادگیری زبان توسط کودک را دنبال می‌نماید^(۱). طبق نظریه ایکس تیره در مورد هر یک از مقوله‌های زبانی از قبیل اسم، فعل، صفت و غیره سطحی میانی (\bar{x}) وجود دارد که کاربرد نحوی آن با کاربرد نحوی کل گروه و یا سرگروه متفاوت است و هر یک از سطوح با استفاده از تعداد «تیره»ها مشخص می‌شوند. سرگروه دارای صفر تیره (x) طبقه میانی دارای یک تیره (\bar{x}) و کل گروه دارای دو تیره ($\bar{\bar{x}}$) است. برای نمونه در مورد گروههای اسمی (NPs)، رادفورد اظهار می‌نماید که در گروه "the king of England" اسم "king" سرگروه است و دارای صفر تیره (N) می‌باشد. "king of England" طبقه میانی گروه و دارای یک تیره (\bar{x}) بوده و کل گروه یعنی "the king of England" دارای دو تیره ($\bar{\bar{x}}$) است. یکی از راههای استدلال وجود سطح میانی برای اسم (\bar{N}) استفاده از تحلیل جایگزینی ضمیر است. در انگلیسی در رابطه با گروه اسمی واژه "one" می‌تواند جایگزین سطح میانی گروه (\bar{N}) گردد، ولی نمی‌تواند جایگزین سرگروه (N) گردد (12 / P. 175).

1. (a) The present [king of England] is more popular than the last one.

one = king of England = \bar{N}

(b) *the present [king] of England is more popular than the last one of England.

one ≠ king = N

در ۱. (الف) one می‌تواند جایگزین king of England گردد چون گروه داخل گروه سطح میانی است، به عبارت دیگر می‌توان one را یک ضمیرگونه اسمی نامید. ولی در ۱ (ب) one نمی‌تواند جایگزین king گردد چون سرگروه است. این ویژگی در گروه اسمی فارسی نیز دیده می‌شود. ویدا سمیعیان در رساله دکتری خود (۱۹۸۳) «مال» را به عنوان جایگزینی مناسب برای \bar{N} معرفی می‌نماید. (13/P...، ۳ / ص ۱۵).

۲. (الف) [کتاب انگلیسی] علی رومی خونی یا مال حسن رو.

مال = کتاب انگلیسی = \bar{N}

(ب) * [کتاب] انگلیسی علی رومی خونی یا مال فرانسه حسن رو.

مال ≠ کتاب = N

در ۲ (الف) واژه «مال» می‌تواند جایگزین سطح میانی گروه اسمی (\bar{N}) باشد در حالی که در ۲ (ب) جایگزین نمودن آن برای سرگروه به زنجیره‌ای بدساخت منتهی می‌شود. در مورد گروه فعلی در زبان انگلیسی "do so" می‌تواند ضمیرگونه فعلی باشد، به عبارت دیگر می‌تواند جایگزین سطح میانی گروه فعلی (\bar{V}) گردد (11 / P. 58 , 12 / P. 234).

3. (a) John will [buy the book] on Tuesday, and Paul will do so on thursday.

do so = buy the book = \bar{V}

(b) *John will [buy] the book on Tuesday, and Paul will do so the book on Thursday.

do so ≠ buy = V

بنا به نظر سیمین کریمی در فارسی «... واژه «همین‌طور» می‌تواند جایگزین ساخت [سطح] میانی گروه فعلی باشد در حالی که جایگزین نمودن آن برای سرگروه به زنجیره‌ای بدساخت منتهی می‌گردد». (۳ / ص ۱۴) مثال زیر این موضوع را روشن می‌نماید:

۴. (الف) من [فرانسه می‌دانم] تو هم همین‌طور.

همین‌طور = فرانسه می‌دانم = \bar{V}

(ب) * من فرانسه [می دانم] تو هم فرانسه همین طور.

همین طور \neq می دانم $V =$

از آنجا که «همین طور» یک ضمیرگونه فعلی است در ۴ (الف) می تواند جایگزین گروه فعلی (\bar{V}) «فرانسه می دانم»، گردد، ولی در ۴ (ب) نمی تواند جایگزین فعل «می دانم» که سرگروه (V) است گردد.

سطح میانی گروههای صفتی، قیدی و حرف اضافه‌ای

از آنجا که هدف مقاله حاضر تأیید جنبه جهانی قواعد ایکس تیره با ارائه سطح میانی برای گروههای صفتی، قیدی و حرف اضافه‌ای در زبان فارسی است در این قسمت طبقه میانی این گروهها به طور جداگانه مورد بررسی قرار می گیرد.

بنا به اظهار رادفورد (12 / P. 175) مقوله‌های زبانی (N, V, A, ADV, etc.)

دارای ساخت مشابهی می باشند و پس از اینکه توانستیم برای مقوله‌های اسمی و فعلی گروه میانی را استدلال نماییم، می توانیم وجود سطح میانی را در مقوله‌های دیگر، از جمله گروه صفتی، قیدی و حرف اضافه‌ای نیز بررسی نماییم. با ارائه مثال زیر، رادفورد برای مقوله صفتی سطح میانی (\bar{A}) را استدلال می نماید (12 / P. 244).

5. (a) John is very [fond of Mary] in some ways, but is less so in other ways.

so = fond of Mary = \bar{A}

(b) * John is very [fond] of Mary in some ways, but is less so of Mary in other ways.

so \neq fond = A

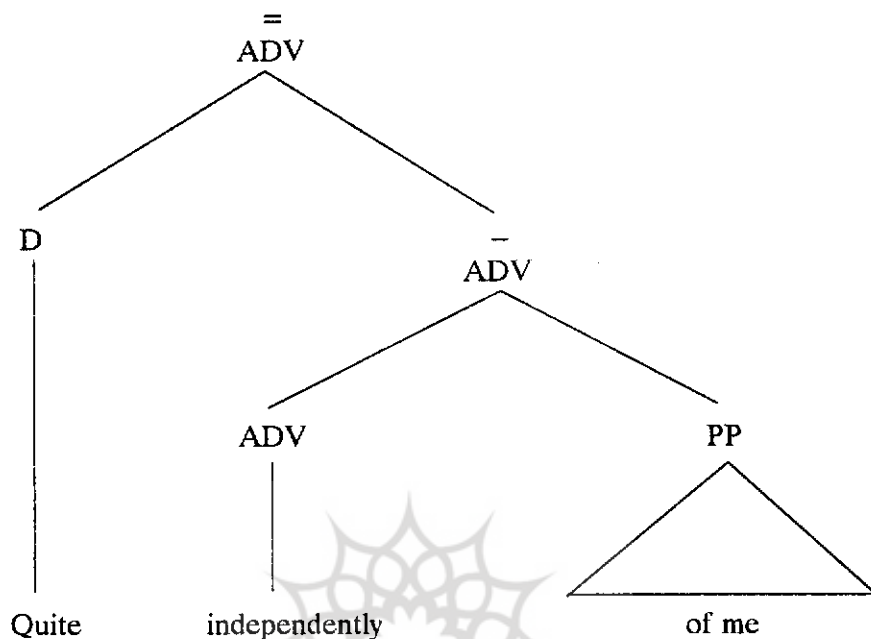
در ۵ (الف) ضمیرگونه صفتی "so" می تواند جایگزین سطح میانی (\bar{A}) شود، ولی در ۵ (ب) جایگزین نمودن آن برای سر (A) به زنجیره‌ای بد ساخت منتهی می شود.

رادفورد برای گروه قیدی نیز سطح میانی (\bar{ADV}) را در نمودار درختی شماره ۱

نشان می دهد (12 / P. 246).

"independently" در نمودار ۱ سر (ADV)، "independently of me" سطح میانی

(\bar{ADV}) و "quite independently of me" کل گروه (\bar{ADV}) می باشد.



نمودار ۱

آخرین مقوله مورد بحث ما گروه حرف اضافه‌ای (pp_s)^۱ است که وجود سطح میانی در آن با نمودار درختی شماره ۲ نمایش داده می‌شود.

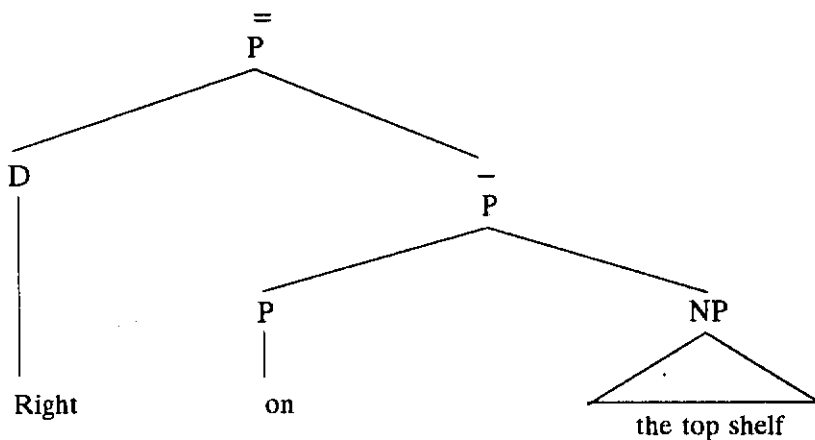
"on" در نمودار ۲ سرگروه (p)، "on the top shelf" سطح میانی (P̄) و

"right on the top shelf" کل گروه (P̄) می‌باشند. (12 / P. 246)

مثال ۶ این موضوع را روشن‌تر می‌نماید.

6. put it right [there]

در (۶) "there" می‌تواند جایگزین "on the top shelf" گردیده و ضمیرگونه حرف اضافه‌ای نامیده شود.



نمودار ۲

الف - سطح میانی گروه صفتی در فارسی

از آنجا که در زبان فارسی با استفاده از ضمیرگونه‌های اسمی (مالی) و فعلی (همین‌طور) سطح میانی برای مقوله‌های اسم و فعل استدلال گردیده است^(۲) و از آنجا که مقوله‌های زبانی دارای ساختی مشابه هستند (12 / P. 175) وجود سطح میانی در گروه صفتی با استفاده از مقوله «جایگزینی ضمیر» در مثال‌های زیر استدلال می‌گردد:

۷. (الف) خرید پنبه در این فصل بسیار [مقرون به صرفه] است، ولی خرید پارچه کمتر چنین است.

چنین = مقرون به صرفه = \bar{A}

(ب) *خرید پنبه در این فصل بسیار [مقرون] به صرفه است، ولی خرید پارچه کمتر چنین به صرفه است.

چنین \neq مقرون = A

همان‌طور که «چنین» یک ضمیرگونه صفتی است در ۷. (الف) می‌تواند جایگزین ساخت میانی (\bar{A}) «مقرون به صرفه» بشود ولی در ۷ (ب) نمی‌تواند جایگزین «مقرون» که سرگروه (A) است گردد. مثال ۷ (ج، د) نیز به وجود سطح میانی گروه صفتی اشاره دارد. (ج) آتش‌سوزی داروخانه سپاهان، مقصر بودن متهم ردیف اول بسیار قریب به یقین است، ولی در مورد متهم ردیف دوم اصلاً چنین نیست.

(د) * در آتش‌سوزی داروخانه سپاهان، مقصر بودن متهم ردیف اول بسیار قریب به یقین است، ولی در مورد متهم ردیف دوم اصلاً چنین به یقین نیست.
در جمله «در آتش‌سوزی داروخانه سپاهان مقصر بودن متهم ردیف اول بسیار قریب به یقین است» عبارت «بسیار قریب به یقین» کل گروه (Ā)، «قریب به یقین» سطح میانی (Ā) و «قریب» سرگروه (A) می‌باشد.

ب - سطح میانی گروه قیدی در فارسی

یکی از تعاریف موجود برای «قید» عبارت است از اینکه؛ «کلمه‌ای که معنی وصفی دارد اگر چگونگی اسم را بیان کند «صفت» است و اگر در بیان چگونگی فعل به کار رود «قید» است». (۱ / ص ۷۰) با توجه به تعریف فوق یک کلمه یا عبارت می‌تواند در جمله‌ای صفت و در جمله‌ای دیگر قید باشد. مثلاً «مقرون به صرفه» که در جمله (۷ الف) صفت و در جمله (۸) قید است:

۸- وزیر بازرگانی با خرید پنبه در فصل زمستان بسیار مقرون به صرفه کار کرده است.
با توجه به این نزدیکی در ساختار، کلمه «چنین» را می‌توان به عنوان ضمیرگونه قیدی نیز پیشنهاد نمود. با توجه به جملات زیر:

۸. الف) وزیر بازرگانی با خرید پنبه در فصل زمستان بسیار [مقرون به صرفه] کار کرده است، ولی او با خرید پارچه در این فصل کمتر چنین کار کرده است.

چنین = مقرون به صرفه = ADV

ب) * وزیر بازرگانی با خرید پنبه در فصل زمستان بسیار [مقرون] به صرفه کار کرده است، ولی او با خرید پارچه در این فصل کمتر چنین به صرفه کار کرده است.

چنین ≠ مقرون = ADV

مشاهده می‌کنیم که در ۸ الف) «چنین» می‌تواند جایگزین ساخت میانی (ADV) «مقرون به صرفه» بشود، ولی در ۸ ب) جایگزین نمودن «چنین» برای «مقرون» که سرگروه (ADV) می‌باشد به جمله‌ای به ساخت منتهی می‌شود. مثال ۸ ج، د) نیز به وجود سطح میانی گروه قیدی اشاره دارد.

ج) دادستان در مورد مقصر بودن متهم ردیف اول بسیار قریب به یقین صحبت می‌کرد، ولی در مورد مقصر بودن متهم ردیف دوم اصلاً چنین صحبت نمی‌کرد.

(د) * دادستان در مورد مقصر بودن متهم ردیف اول بسیار قریب به یقین صحبت می‌کرد، ولی در مورد مقصر بودن متهم ردیف دوم اصلاً چنین به یقین صحبت نمی‌کرد. در جمله «دادستان در مورد مقصر بودن متهم ردیف اول بسیار قریب به یقین صحبت می‌کرد» عبارت «بسیار قریب به یقین» کل گروه (ADV)، «قریب به یقین» سطح میانی (ADV) و «قریب» سرگروه (ADV) می‌باشد.

ج - سطح میانی گروه حرف اضافه‌ای در فارسی آخرین مقوله مورد بررسی مقوله حرف اضافه (P) است. همانند زبان انگلیسی (۳)، در زبان فارسی نیز گروه حرف اضافه‌ای دارای سطوح سه‌گانه سر (P)، سطح میانی (\bar{P}) و کل گروه ($\bar{\bar{P}}$) است.
در جمله:

۹. علی مسلماً در منزل بود.

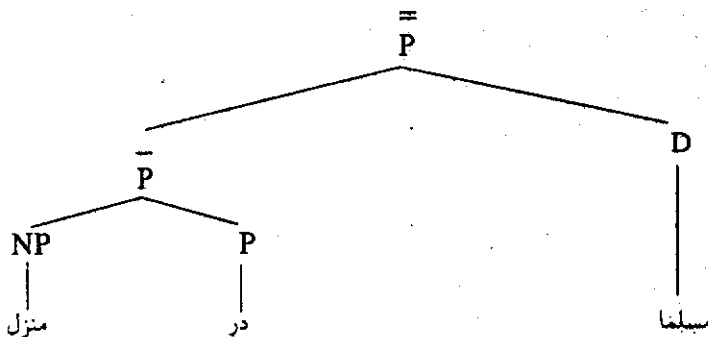
سرگروه (P) «در»، سطح میانی گروه (\bar{P}) «در منزل»، و کل گروه ($\bar{\bar{P}}$) «مسلماً در منزل» می‌باشد. اگر فرض فوق صحیح باشد می‌توان این سطوح را در نمودار درختی شماره ۳ نشان داد. مراتب فوق را می‌توان با استفاده از ضمیرگونه حرف اضافه‌ای «آنجا» استدلال نمود:

۹. (الف) علی مسلماً [در منزل] بود و احمد هم بدون شک آنجا بود.

آنجا = در منزل = $\bar{\bar{P}}$

(ب) * علی مسلماً [در] منزل بود و احمد هم بدون شک آنجا منزل بود.

آنجا \neq در = P



در ۹ (الف) «آنجا» می‌تواند جایگزین سطح میانی گروه حرف اضافه‌ای (\bar{P}) گردد، ولی در ۹ (ب) جایگزین نمودن آن برای سرگروه (P) به زنجیره بد ساخت منتهی می‌شود. مثال ۹ (ج، د) نیز به وجود سطح میانی گروه حرف اضافه‌ای اشاره دارد. (ج) میزگرد حقوق زن مطمئناً در سالن شماره ۴ برگزار شده، ولی کنفرانس محیط‌زیست احتمالاً آنجا برگزار نشده است.

(د) * میزگرد حقوق زن در سالن شماره ۴ برگزار شده، ولی کنفرانس محیط‌زیست احتمالاً آنجا سالن شماره چهار برگزار نشده است.

در جمله «میزگرد حقوق زن مطمئناً در سالن شماره ۴ برگزار شده»، «مطمئناً در سالن شماره ۴» کل گروه (\bar{P})، «در سالن شماره ۴» سطح میانی (\bar{P}) و «در» سرگروه (P) می‌باشد.

نتیجه‌گیری

در این مقاله پس از شرح «نظریهٔ ایکس تیره»، وجود سه سطح (\bar{x} , \bar{x} , x) در مقوله‌های اسم (N)، فعل (V)، صفت (A)، قید (ADV)، و حرف اضافه (P) انگلیسی و فارسی مورد توجه قرار گرفت و با استفاده از پشتوانهٔ تجربی مقولهٔ «جایگزینی ضمیر» وجود سطح میانی (\bar{x}) در مقوله‌های زبان فارسی استدلال گردید. وجود سطح میانی در گروه‌های صفتی، قیدی و حرف اضافه‌ای در زبان فارسی که دستاورد مقاله حاضر است می‌تواند گامی در تأیید جنبهٔ جهانی داشتن قواعد ایکس تیره محسوب گردد. از آنجا که جهانی‌های زبان در «نظریهٔ اصول و پارامترها» جایگاه اساسی دارد می‌توان دربارهٔ نظریهٔ ایکس تیره چنین نتیجه گرفت که آنچه کودک باید به مقتضای زبان جامعهٔ خود فراگیرد، فقط پارامتر چپ یا راست بودن سرگروه است و بقیهٔ موارد گفته شده از قبیل اینکه «گروهی از مقولهٔ (x) باید سازه‌ای از نوع همان مقوله داشته باشد» که در مجموعهٔ جهانی‌ها قرار دارد در دستور همگانی کودک از پیش موجود است (۴). نظر کوپر (۹/ص ۶۴) به همین موضوع اشاره دارد آنجا که وی اظهار می‌نماید که نظریهٔ ایکس تیره «... به هنگام فراگیری دستور زبان به کودک کمک می‌کند تا قاعده‌های سازه‌ای را فراگیرد...»

با توجه به سطح میانی گروههای صفتی، قیدی و حرف اضافه‌ای در فارسی مشاهده می‌شود که کودک فارسی زبان هنگام یادگیری این سطح در گروههای مذکور به پارامتر راست بودن سرگروه توجه می‌نماید.

پی‌نوشت

- ۱- برای توضیح بیشتر به بخش نتیجه‌گیری در همین مقاله مراجعه نمایید.
- ۲- توضیح در مقدمه مقاله آمده است.
- ۳- رجوع شود به سطح میانی گروههای صفتی، قیدی و حرف اضافه‌ای در همین مقاله
- ۴- برای اطلاع بیشتر در مورد نظریه اصول و پارامترها به «نظریه اصول و پارامترها» اثر چامسکی و لاسنیک مراجعه فرمایید. (منبع شماره ۸)

منابع

- ۱- خانلری، پرویز ناتل. دستور زبان فارسی، انتشارات توس، تهران (چاپ یازدهم با تجدید نظر)، ۱۳۷۰.
- ۲- دبیرمقدم، محمد. زبانشناسی نظری، پیدایش و تکوین دستور زایشی. انتشارات سخن، ۱۳۷۸.
- ۳- کریمی حقیقی، سیمین. «دگرگونیهای نوین در دستور زایشی-گشتاری»، مجله زبانشناسی ایران، سال چهارم - شماره اول و دوم، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۶.
- ۴- میرعمادی، سیدعلی. نحو زبان فارسی (بر پایه نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی)، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۷۶.
- 5- Chomsky, N. (1970). "Remarks on Nominalization". in Jacobs and Rosenbaum, Mass.
- 6- Chomsky, N. (1993). *A Minimalist Program for linguistic theory*. The view from building 20, ed. by K. Hale and S.J. Keyser, Mass: MIT Press.
- 7- Chomsky, N. (1995). *The Minimalist Program*. Cambridge, Mass: MIT Press.
- 8- Chomsky, N. and H. Lasnik. (1991). "Principles and Parameters Theory". Syntax: an international handbook of contemporary research, ed. by J.

- Jacobs, A. Van Stechow, W. Sternefeld, and T. Vennemann, Berlin: Walter de Gruyter.
- 9- Couper, E. (1992). *A Concise Introduction to Syntactic Theory*. Chicago: The University of Chicago Press.
- 10- Harris, Z. (1951). *Methods in Structural Linguistics*. Chicago: The University of Chicago Press.
- 11- Jackendoff, R. (1977). *X-Bar Syntax. A Study of Phrase Structure*. Massachusetts.
- 12- Radford, A. (1992). *Transformational Grammar*. Cambridge University Press. (first Pub. 1988)
- 13- Sami'ian, V. (1983). *The Structure of Phrasal Categories in Persian, An x-Bar Analysis*. Unpublished Ph.D. Dissertation, UCLA.

